

# رابطه سبک دلبستگی با تعهد زناشویی با میانجی‌گری تمایزیافتگی خود و احساس گناه در دانشجویان زن متأهل شهر اهواز

خالد اصلانی<sup>۱</sup>، نیره عبدالهی<sup>۲</sup>، عباس امان الهی<sup>۳</sup>

## چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۹۶/۱/۲۰

**هدف:** هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی با میانجی‌گری تمایزیافتگی خود و احساس گناه در دانشجویان زن متأهل شهر اهواز بود. **روش:** این مطالعه یک پژوهش همبستگی بود، شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۱۱ نفر از دانشجویان زن متأهل شهر اهواز بودند که به روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند. ابزارهای استفاده شده در این پژوهش پرسشنامه شیوه‌های رفتاری (BSQ)، پرسشنامه تعهد زناشویی (MCQ)، پرسشنامه تمایزیافتگی خود (DSI)، و پرسشنامه عاطفه خودآگاه بودند. ارزیابی الگوی پیشنهادی با استفاده از روش تحلیل مسیر انجام گرفت. جهت آزمون روابط غیرمستقیم از روش بوت استراپ استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که از ۱۶ مسیر مستقیم چهار مسیر سبک دلبستگی ایمن با تمایزیافتگی خود ( $p=0/115$ )، سبک دلبستگی ناایمن با احساس گناه ( $p=0/328$ )، احساس گناه با تعهد اخلاقی ( $p=0/430$ ) و تمایزیافتگی خود با تعهد ساختاری ( $p=0/588$ ) معنادار نشد. همچنین نتایج نشان داد که همه اثرات غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی (ایمن، ناایمن) و تعهد زناشویی با میانجی‌گری تمایزیافتگی خود و احساس گناه معنادار شدند ( $p=0/001$ ). از سوی دیگر اثرات غیرمستقیم سبک دلبستگی ایمن و تعهد اخلاقی با میانجی‌گری احساس گناه ( $p=0/215$ ) و اثرات غیرمستقیم دلبستگی ایمن ( $p=0/112$ ) و ناایمن ( $p=0/224$ ) با تعهد ساختاری با میانجی‌گری تمایزیافتگی خود معنادار نشدند. **نتیجه‌گیری:** سبک دلبستگی با تأثیرگذاری بر تمایز خود و احساس گناه بر تعهد زناشویی تأثیر می‌گذارد. **واژه‌های کلیدی:** سبک دلبستگی، تعهد زناشویی، تمایزیافتگی خود، احساس گناه

۱. (نویسنده مسئول)، دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز. kh.aslani@scu.ac.ir
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته راهنمایی و مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۳. استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

## مقدمه

تعهد زناشویی<sup>۱</sup>، قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کننده‌ی کیفیت و ثبات رابطه‌ی زناشویی است (موسکو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹؛ به نقل از کریمیان، کریمی و بهمنی، ۱۳۹۰). جانسون<sup>۳</sup>، تعهد زناشویی را شامل سه بعد تعهد شخصی<sup>۴</sup>، تعهد اخلاقی<sup>۵</sup> و تعهد ساختاری<sup>۶</sup> می‌داند (رامیرز<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸). تعهد شخصی، به معنی علاقه و تمایل فرد برای تداوم رابطه‌ی زناشویی است. این تعهد منعکس‌کننده‌ی تلقی‌های فرد نسبت به شریک زندگی و رابطه‌اش و همین‌طور میزان اهمیت رابطه برای هویت فرد است (آرون، آرون و اسمولنی<sup>۸</sup>، ۱۹۹۲؛ به نقل از رامیرز، ۲۰۰۸). بعد دیگر تعهد زناشویی، تعهد اخلاقی است که نشان‌دهنده‌ی میزان احساس تعهد فرد به ادامه رابطه است. ارزش‌ها و باورهای بنیادین فرد درباره‌ی مسیر رفتار صحیح در رابطه، بر محوریت تعهد اخلاقی قرار دارد (نلسون، کریک، آنگ و سریس<sup>۹</sup>، ۲۰۱۱). تعهد ساختاری به این معناست که فرد احساس می‌کند به دلیل عوامل خارجی باید در رابطه باقی بماند (تانگ و کارن<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۳).

سؤال مهم این است که چه عواملی در تعهد زناشویی دخیل هستند؟ از جمله عوامل مؤثر در تعیین میزان تعهد زناشویی افراد می‌توان به متغیرهای خانوادگی و ویژگی‌های فردی افراد اشاره کرد. یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده تعهد زناشویی سبک دلبستگی می‌باشد. دلبستگی پیوند هیجانی نسبتاً پایداری است که بین کودک و مادر یا افرادی که نوزاد در تعامل منظم با آنها است ایجاد می‌شود (پاپالیا، اولدز و فلدمن<sup>۱۱</sup>،

1. marital commitment.
2. Mosko, J.
3. Johnson, M. P.
4. personal commitment.
5. moral commitment.
6. structural commitment.
7. Ramirez, A.
8. Aron, A. , Aron, E. N. , & Smollan, D.
9. Nelson, J. A. , Kirk, A. M. , Ane, P. , & Serres, S. A.
10. Tang, C. Y. , & Curran, M. A.
11. Papalia, D. E. , Olds, S. W. , & Feldman, R. D.

۱۹۹۰). براساس این نظریه، تفاوت‌های فردی در سبک دلبستگی ناشی از تجارب افراد در روابط نزدیک قبلی است و با روابط دلبستگی بین فرزند و مراقبان اولیه شروع می‌شود (مک‌الینسر و شیور<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). براساس نظریه‌ی دلبستگی، بزرگسالان دارای دلبستگی ایمن<sup>۲</sup> آن دسته افرادی هستند که یک حس مثبت نسبت به خود و درک مثبتی از دیگران دارند (کان، نورمن، ولبورن و کالهن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). این بزرگسالان گرایش به داشتن دیدگاه‌های مثبت از خودشان و همسرشان دارند، این افراد هم با تعلق و هم با استقلال احساس راحتی می‌کنند (بوگارتز، دالدر، کناپ، کیونست و بوسچمن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸). افراد دارای سبک دلبستگی نایمن<sup>۵</sup> به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- افراد دارای دلبستگی اجتنابی<sup>۶</sup> ۲- افراد دارای دلبستگی اضطرابی<sup>۷</sup>. بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اجتنابی، خودشان را به صورت خودپسنده می‌بینند و افراد دارای این سبک، آسیب‌پذیری را انکار می‌کنند و ادعا می‌کنند که نیازی به روابط نزدیک ندارند و تمایل به اجتناب از صمیمیت دارند (ویردن، پترز، بری، باروکلاوج و لیورساید<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸)؛ پژوهش نشان داده که آنان برای سرمایه‌گذاری در روابط رومانیتیک‌شان تردید دارند، بنابراین پایین‌ترین سطح تعهد را دارا هستند (مورگان و شور<sup>۹</sup>، ۱۹۹۹). بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اضطرابی گرایش به داشتن دیدگاه کمتر مثبتی در مورد خودشان دارند. آنها اغلب در مورد ارزش خودشان به عنوان یک همسر شک دارند و خودشان را برای فقدان پاسخ‌گری همسرشان سرزنش می‌کنند (بوگارتز و همکاران، ۲۰۰۸). پژوهش هو، چن، بند، هوی، چن و فریدمن<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۲)، نشان داد که دلبستگی اجتنابی و دلبستگی اضطرابی

1. Mikulinger, M. , & Shaver, P. R.

2. secure attachment.

3. Cann, A. , Norman, M. A. , Welbourne, J. L. , & Calhoun, L. G.

4. Bogaerts, S. , Daalder, A. L. , Van Der Knaap, L. M. , Kunst, M. J. , & Buschman, J.

5. insecure attachment.

6. avoidant attachment.

7. anxiety attachment.

8. Wearden, A. , Peters, I. , Berry, K. , Barrowclough, C. , & Liversidge, T.

9. Morgan, H. J. , & Shaver, P. R.

10. Ho, M. Y. , Chen, S. X. , Bond, M. H. , Hui, C. M. , Chan, C. , & Friedman, M.

رابطه‌ی منفی با تعهد شخصی دارد. همچنین پیس و زاپلا<sup>۱</sup> (۲۰۱۱)، نشان دادند که اثر قابل توجهی از تعامل بین سبک دلبستگی اجتنابی و تعهد وجود دارد. پژوهش استانلی، رهونرو و ویتون<sup>۲</sup> (۲۰۱۰)، نیز نشان داد که تعهد می‌تواند دلبستگی عاشقانه ایمن را افزایش دهد. ترن و سیمپسون<sup>۳</sup> (۲۰۰۹)، در پژوهش خود نشان دادند که اگرچه دلبستگی اضطرابی می‌تواند مانع از تمایل مردم به واکنش نشان دادن سازنده به حوادث تهدیدآمیز شود، اما تعهد هر چه بیش‌تر در روابط ممکن است بعنوان یک سپردر برابر اثرات منفی مربوط به دلبستگی ناایمن خدمت کند مثل کاهش احساسات طرد، افزایش احساسات پذیرش.

از جمله عوامل فردی که نقش مؤثری در تعهد زناشویی دارد، عاطفه‌ی خودآگاه<sup>۴</sup> احساس گناه<sup>۵</sup> است. براساس بسیاری از تحقیقات، احساس گناه زیربنای بسیاری از آسیب‌های روانی است و آزاردهنده، خودآگاه (خودارزیابانه) و اخلاقی است که با تخلف، اشتباه یا شکستی که در یک زمینه‌ی بین فردی رخ می‌دهد، فراخوانده می‌شوند (تانگنی<sup>۶</sup>، ۱۹۹۵؛ به نقل از نظری، ۱۳۸۹). پژوهش هارتسن و شرمن<sup>۷</sup> (۲۰۱۲)، نشان داد زمانی که زنان در مورد اتفاقات، درگیر تعهدات خود می‌شوند احساس گناه کمتری می‌کردند و در مقابل وقتی سناریوهای چیده شده به گونه‌ای بود که تعهدات آن‌ها را برنمی‌انگیخت آن‌ها احساس گناه بیش‌تری می‌کردند. فلورین، میکولنکو و هیرشبرگر<sup>۸</sup> (۲۰۰۲)، معتقدند که تعهد زناشویی بعنوان یک مکانیسم کنترل وحشت عمل می‌کند، طوری که تفکر در مورد تعهد رمانتیک باعث تأثیر اخلاق و قضاوت‌های اجتماعی می‌شود و فرد وجدان راحت‌تری دارد و کاهش تفکر در مورد تعهد رمانتیک باعث افزایش نگرانی و فشار روحی و در نتیجه افزایش احساس گناه می‌شود.

1. Pace, U. , & Zappulla, C.
2. Stanley, S. M. , Rhoades, G. K. , & Whitton, S. W.
3. Tran, S. , & Simpson, J. A.
4. self-conscious emotion.
5. guilty feeling.
6. Tangney, J. P.
7. Hartson, K. A. , & Sherman, D. K.
8. Florian, V. , Mikulincer, M. , & Hirschberger, G.

عامل فردی دیگر تمایزیافتگی خود<sup>۱</sup> است. تمایزیافتگی خود، در واقع میزان توانایی فرد در تفکیک فرآیندهای عقلی و احساسی خویش از دیگران را نشان می‌دهد افراد تمایزیافته می‌توانند در موقعیت‌های شدیداً عاطفی که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتارهای غیرارادی و گرفتن تصمیمات نافرجام می‌شود، کنترل خود را از دست ندهند تمایز خود، بنیان‌های پذیرش دوسویه و صمیمیت را در ازدواج بررسی می‌کند. زن و مردی که سطح تمایز یافتگی پایینی داشته باشند، زمانی که ازدواج می‌کنند انتظار می‌رود ظرفیتی محدود برای صمیمیت و یکی شدن داشته باشند (بوئن<sup>۲</sup>، ۱۹۷۸).

پژوهش اسکورن<sup>۳</sup> (۲۰۰۰)، نشان داد زوج‌هایی که واکنش‌پذیری عاطفی<sup>۴</sup> کمتر، گریز عاطفی<sup>۵</sup> کمتر و هم‌آمیختگی<sup>۶</sup> محدودی با یک دیگر دارند و قادرند از عقاید خود دفاع کنند، میزان بالاتری از تعهد و رضایت زناشویی را تجربه می‌کنند. همچنین، مؤمنی و علیخانی (۱۳۹۲) و ولدخانی (۱۳۸۷)، نیز در پژوهش‌های خود به طور مشابه به این نتیجه رسیدند که زوج‌هایی که از سطح تمایزیافتگی بالایی برخوردارند در زندگی زناشویی سازگاری بیش‌تر و به تبع آن تعهد زناشویی بالاتری دارند.

پژوهش‌ها بیانگر این هستند که بین سبک‌های دلبستگی و احساس گناه رابطه وجود دارد. پژوهش موریس و همکاران<sup>۷</sup> (۲۰۱۴)، نشان داد کودکانی که خودشان را دلبسته نمی‌دانستند، در مقایسه با کودکان دلبسته، سطوح بالاتری از انواع ناسازگار گناه از خود نشان دادند. پژوهش اکباگ و ایمامگ لو<sup>۸</sup> (۲۰۱۰)، نشان داد با افزایش سبک دلبستگی ایمن، احساس گناه کاهش می‌یابد (اکباگ و ایمامگ لو، ۲۰۱۰). پژوهش هایدون و شیلکرت<sup>۹</sup> (۲۰۰۱) در زنان دانشجویان نشان داد که افراد دارای سبک دلبستگی

1. differentiation of Self.

2. Bowen, M.

3. Skowron, E. A.

4. emotional reactivity.

5. emotional cut off.

6. fusion with others.

7. Muris, P., Meesters, C., Cima, M., Verhagen, M., Brochard, N., Sanders, A. ... & Meesters, V.

8. Akbag, M., & Imamoglu, S. E.

9. Haydon, K. C., & Shilkert, R.

ایمن، احساس گناه پایین‌تر و افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی و اجتنابی سطوح بالاتری از احساس گناه را گزارش می‌نمایند (هایدون و و شیلکرت، ۲۰۰۱). همچنین، پژوهش سیمون و شیلکرت<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) با نمونه‌ای شامل ۸۸ زن زندانی نشان داد که فقط ۲۶ درصد آن‌ها دارای سبک دلبستگی ایمن و بقیه دارای سبک دلبستگی نایمن هستند و به این نتیجه رسیدند که افراد نایمن سطوح بالاتری از احساس گناه را نشان می‌دهند.

علاوه بر این، پژوهش‌ها بیانگر این هستند که بین سبک‌های دلبستگی و تمایز یافتگی رابطه وجود دارد. در همین راستا، پژوهش کریمی، زکی و علیخانی<sup>۲</sup> (۲۰۱۴)، نشان داد که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن از سطح بالایی از تمایز یافتگی خود برخوردارند و سبک دلبستگی اجتنابی با تمایز یافتگی خود رابطه‌ی منفی دارد. همچنین، پژوهش توربرگ و لیورز<sup>۳</sup> (۲۰۰۶)، نشان داد افرادی که دارای سطوح بالایی از دلبستگی نایمن بودند سطوح پایین‌تری از خود تمایزی و صمیمیت نشان دادند. علاوه بر این، پژوهش گروتوانت و کوپر<sup>۴</sup> (۱۹۸۵) و پژوهش رایس، فیتز جرالده، والی و گیبس<sup>۵</sup> (۱۹۹۵)، نشان دادند که سبک دلبستگی ایمن با تمایز یافتگی رابطه‌ی مثبت دارد.

علت بسیاری از مشکلات و جرو بحث‌های بین زوجین و در نهایت طلاق، نبودن تعهد نسبت به زندگی و یکدیگر است که این مشکل اگرچه در سال‌های گذشته نیز تا حدود کمی موجود بوده اما به تازگی حجم بسیاری را به خود اختصاص داده است و علت بسیاری از مشکلات زناشویی است تا چند مدت قبل اکثر موضوعات پژوهشی بر محور رضایت زناشویی متمرکز بوده است اما با کمی مطالعه متوجه می‌شویم که نبودن تعهد در زندگی مشترک باعث عدم رضایت در موارد بسیاری می‌گردد. تحقیقات و پژوهش‌های بسیار اندکی روی موضوع تعهد، چه در ایران و چه خارج صورت گرفته است که این خود بیانگر اهمیت پرداختن به این موضوع اساسی است. در مجموع، با توجه به

1. Simone, R. , & Shilkret, R.

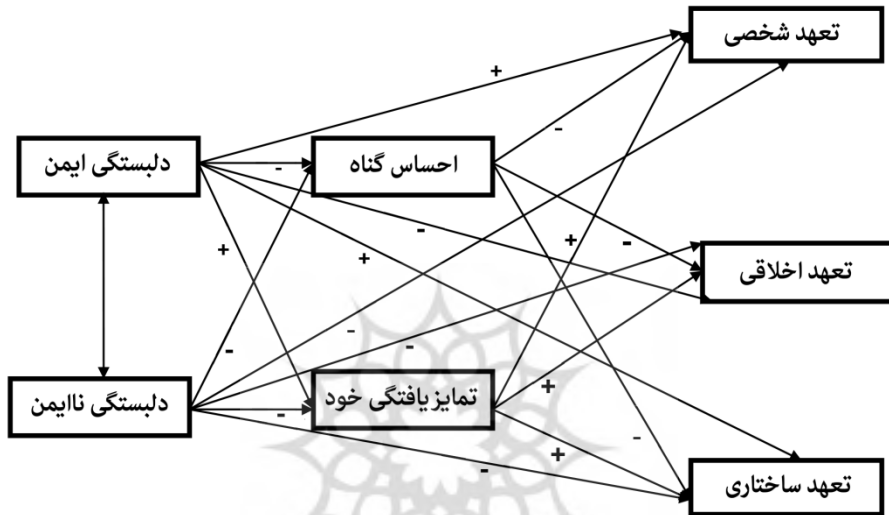
2. Karami, J. , Zakiei, A. , & Alikhani, M.

3. Thorberg, F. A. , & Lyvers, M.

4. Grotevant, H. D. , & Cooper, C. R.

5. Rice, K. G. , FitzGerald, D. P. , Whaley, T. J. , & Gibbs, C. L.

یافته‌های پیشین و چارچوب‌های نظری درباره‌ی سازی تعهد زناشویی، هدف پاسخ به این سوال است که آیا رابطه علی سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی، با میانجی‌گری خود تمایز یافتگی و احساس گناه براننده‌ی داده‌ها می‌باشد؟ مدل پیشنهادی در نمودار ۱ ارائه شده است.



نمودار ۱. مدل پیشنهادی رابطه علی سبک دلبستگی با تعهد زناشویی، با میانجی‌گری خود تمایز یافتگی و احساس گناه

## روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. جامعه این پژوهش شامل کلیه‌ی دانشجویان زن متأهل دانشگاه‌های شهر اهواز در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ بود. ۲۱۱ نفر از دانشجویان از بین دانشگاه شهید چمران اهواز، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز و دانشگاه پیام‌نور اهواز با استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند. به تمامی شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه خواهد بود و نتایج فقط به صورت کلی منتشر خواهند شد.

## ابزارهای اندازه‌گیری

**پرسشنامه‌ی تعهد زناشویی<sup>۱</sup> (MCQ).** این پرسشنامه میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواج‌شان و ابعاد آن را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه توسط آدامز و جونز (۱۹۹۷)، ساخته شده است. آدامز و جونز (۱۹۹۷) در ۶ پژوهش گوناگون برای رسیدن به پایایی و روایی پرسشنامه، آن را در ۴۱۷ نفر متأهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند. در این مطالعات همبستگی هر پرسش با نمره کل پرسشنامه بالا و معنادار بود و پایایی کل پرسشنامه ۰/۸۲ گزارش شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که عامل اول، تعهد شخصی با ۲۳/۷ درصد واریانس، عامل دوم، تعهد اخلاقی با ۸/۸ درصد واریانس و عامل سوم، تعهد ساختاری با ۳/۹ درصد از واریانس توانستند تعهد زناشویی را تبیین کنند. در مجموع این عوامل ۳۶/۴ درصد از واریانس پاسخ‌های شرکت‌کنندگان را تخمین زدند. آدامز و همکاران (۱۹۹۷) پایایی این ابعاد را به روش آلفای کرونباخ به ترتیب برای هر بعد ۰/۹۱، ۰/۸۹ و ۰/۸۶ گزارش کردند. در پژوهش زارعی و حسینقلی (۱۳۹۲)، نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به دست آمد. در اعتباریابی آزمون توسط شاه سیاه، بهرامی و محبی (۱۳۸۸)، روایی محتوایی توسط اساتید دانشگاه اصفهان تایید و آلفای کرونباخ ۰/۸۵ بدست آمد. در پژوهش حاضر ضریب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۶ و ۰/۹۰ به دست آمد.

**پرسشنامه‌ی شیوه‌های رفتاری<sup>۲</sup> (BSQ).** این پرسشنامه توسط فارمن و وهنر<sup>۳</sup> (۱۹۹۹)، به نقل از امان‌الهی، اصلانی، تشکر، غوابش و نکوئی، (۱۳۹۱)، تدوین شده است. پرسشنامه‌ی شیوه‌های رفتاری یک ابزار ۲۲ سؤالی است که میزان موافقت آزمودنی‌ها با مجموعه‌هایی از حالت‌ها در مورد این که افراد چه سبک دلبستگی ممکن است در روابط عاشقانه‌ی خود به کار گیرند را نشان می‌دهد. این پرسشنامه دارای سه خرده

1. Marital Commitment Questionnaire.

2. Behavioral Systems Questionnaire.

3. Furman, W. , & Wehner, E. A.



مقیاس دل‌بستگی ایمن، دل‌بستگی پریشان و خرده مقیاس دل‌بستگی گسسته است که بر اساس طیف ۷ درجه‌ای لیکرت تنظیم شده است. نمرات سبک‌های دل‌بستگی عاشقانه با مقیاس رابطه‌ی نزدیک (برنان، کلارک و شاور<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸) رابطه‌ی معنی‌داری داشتند. در پژوهش امان‌الهی و همکاران (۱۳۹۱)، ضریب آلفای کرونباخ برای سبک دل‌بستگی ایمن، دل‌بستگی پریشان و دل‌بستگی گسسته به ترتیب ۰/۶۴، ۰/۵۴ و ۰/۷۸ به دست آمد (امان‌الهی و همکاران، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر ضریب پایایی برای خرده مقیاس‌های پرسشنامه سبک دل‌بستگی با استفاده از روش آلفای کرونباخ به ترتیب برای سبک دل‌بستگی ایمن ۰/۷۱ و سبک دل‌بستگی نایمن ۰/۸۵ به دست آمد.

**پرسشنامه‌ی تمایز یافتگی خود<sup>۲</sup> (DSI).** این پرسشنامه نخستین بار در سال ۱۹۹۸ توسط اسکورن و فریدلندر<sup>۳</sup> (۱۹۹۸)، با ۴۳ سؤال طراحی و اجرا شد (اسکورن و اسمیت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳) و شامل ۴ خرده مقیاس است. ۱- واکنش‌پذیری عاطفی، بازتاب‌دهنده درجه‌ای است که فرد به محرک محیطی با حساسیت بیش از حد یا با تغییرپذیری عاطفی پاسخ می‌دهد. ۲- خرده مقیاس جایگاه من<sup>۵</sup> که در کنار تعریف واضح حس خود، میزان وفاداری به عقاید شخصی را در زمانی که فرد مجبور به انجام خلاف عقاید خود است، مشخص می‌کند. ۳- خرده مقیاس گریز عاطفی نشان‌دهنده احساس ترس از صمیمیت و احساس آسیب‌پذیری بیش از حد در ارتباط با دیگران است. آیتم‌های مرتبط با این خرده مقیاس نشان‌دهنده ترس از روابط صمیمانه، رفتارهای دفاعی می‌باشد. سرانجام ۴- هم‌آمیختگی با دیگران، نشان‌دهنده درگیری در روابط بیش از حد عاطفی با دیگران می‌باشد. جهت محاسبه نمره‌گذاری کلی این پرسشنامه نمرات آیتم‌های هر یک از خرده مقیاس‌ها با هم جمع می‌شوند. اسکورن و همکاران (۱۹۹۸)، همسانی درونی برای کل مقیاس تمایز یافتگی خود ۰/۸۸ گزارش دادند و روایی صوری این پرسشنامه را نیز تأیید

1. Brennan, K. A., Shaver, P. R., & Clark, C. A.

2. Differentiation of Self Inventory.

3. Skowron, E. A., & Friedlander, M. L.

4. Skowron, E. A., & Schmitt, T. A.

5. I-position.

کردند. آن‌ها روایی سازه این مقیاس را با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی و تأیید قرار دادند. اسکورن و همکاران (۲۰۰۳) پایایی این پرسشنامه را ۰/۹۱ گزارش کردند. یونسی (۱۳۸۵)، روایی سازه این آزمون را از طریق چرخش واریماکس با تحلیل عاملی مورد بررسی قرار داد. در مجموع متغیرها می‌توانست ۵۷/۶۷ درصد از کل واریانس سازه را تبیین کند. یونسی (۱۳۸۵) آلفای کرونباخ این آزمون را ۰/۸۵ گزارش کرد. فخاری، لطیفیان و اعتماد (۱۳۹۲) بیان کردند که همبستگی عامل‌ها با نمره کل بیانگر روایی سازه‌ی این پرسشنامه است و در روایی همزمان این پرسشنامه با پرسشنامه ابعاد سلامت عمومی گلدبرگ و هیلر (۱۹۷۲) همبستگی این دو پرسشنامه ۰/۴۷- گزارش شد.

**پرسشنامه‌ی عاطفه‌ی خودآگاه<sup>۱</sup>.** آزمون عاطفه خودآگاه یک ابزار خود سنجی و مداد- کاغذی است که ۱۶ موقعیت (سناریو) شرایط زندگی روزمره را به آزمودنی ارائه می‌کند و پاسخ دهندگان پاسخ‌های هیجانی و رفتاری خویش و احتمال پاسخ خود به آن‌ها را رتبه می‌دهند. تمام سناریوهای این آزمون دارای آیتم‌های شرم و گناه و اشتغال ذهنی با احساس گناه هستند، در حالی که بعضی از آیتم‌ها شامل دفاع‌های شخصی جداسازی، بی‌تفاوتی و برونی کردن است. این پرسشنامه توسط تانگنی، واگنر و گرامزو<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۲ ساخته شد. تجزیه و تحلیل اجزای اصلی این پرسشنامه با چرخش واریماکس از عامل گناه پشتیبانی کرد و بیش از ۰/۴۰ درصد از اجزای این پرسشنامه متغیر گناه را تبیین نمود. هم‌چنین روایی همزمان این پرسشنامه با پرسشنامه افسردگی بک، مقیاس همدلی و مقیاس تفکیک به ترتیب همبستگی ۰/۰۴، ۰/۳۶ و ۰/۱۰- بدست آمد (لویتن، فونتین و کرولین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). در ایران، روایی صوری این آزمون‌ها مورد تأیید اساتید رشته‌های مشاوره و روانشناسی قرار گرفته است (ثنایی، هومن و علاقمند، ۱۳۸۷). در پژوهش روشن چسلی، عطری فرد و نوری مقدم (۱۳۸۶) به منظور بررسی اعتبار سازه این پرسشنامه، همبستگی گشتاوری بین این مقیاس با پرسشنامه GHQ-28 بروی ۵۶ دانشجو ۰/۳۳

1. Self-Conscious Emotion Questionnaire.  
2. Tangney, J. P., Wagner, P., & Gramzow, R.  
3. Luyten, P., Fontaine, J. R., & Corveleyn.

بدست آمد.

یافته‌ها

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی میان متغیرهای مورد مطالعه

ردیف	متغیر	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	تعهد شخصی	۳۹/۲۶	۶/۶۸	-							
۲	تعهد اخلاقی	۴۶/۳۱	۸/۶۶	۰/۸۱۷**	-						
۳	تعهد ساختاری	۸۳/۲۷	۱۳/۸۷	۰/۷۴۶**	۰/۸۰۷**	-					
۴	تعهد زناشویی	۱۵۷/۰۵	۲۶/۳۹	۰/۸۸۵**	۰/۹۳۵**	۰/۹۴۱**					
۵	دلبستگی ایمن	۲۷/۱۹	۶/۱۸	۰/۶۵۵**	۰/۷۰۱**	۰/۷۵۶**	۰/۷۷۶**	-			
۶	دلبستگی نایمن	۴۳/۲۰	۱۳/۸۹	-۰/۶۹۴**	-۰/۶۹۱**	-۰/۵۶۵**	-۰/۵۰۶**	-۰/۶۸۳**	-		
۷	تمایزیافتگی خود	۱۳۱/۵۴	۱۹/۲۷	۰/۳۸۶**	۰/۳۴۹**	۰/۲۶۲**	۰/۲۴۴**	-۰/۳۰۶**	۰/۳۴۹**	-	
۸	احساس گناه	۵۱/۷۲	۱۰/۴۱	۰/۳۸۱**	۰/۳۴۰**	۰/۴۰۵**	۰/۳۹۳**	-۰/۲۵۲**	۰/۲۱۰**	۰/۴۱۴**	-

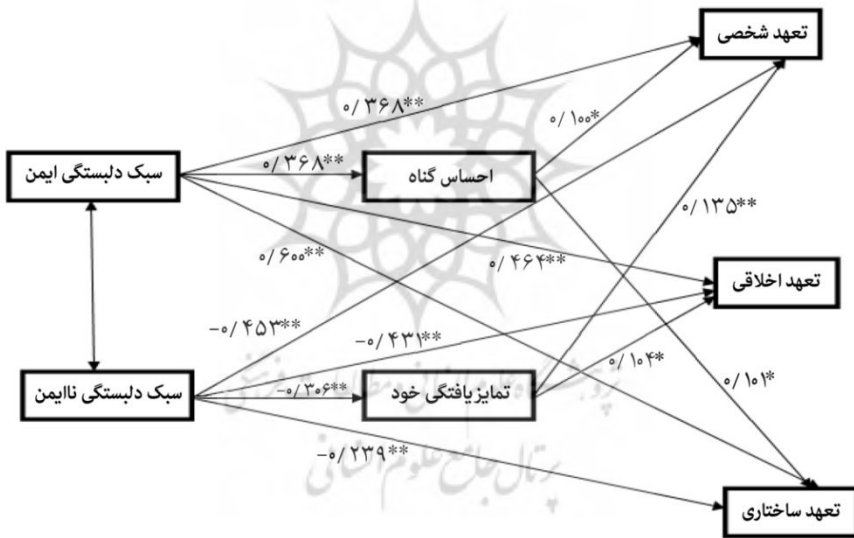
\*\* $p \leq 0/01$

همان گونه که یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد، ضرایب همبستگی متغیر وابسته‌ی مدل (تعهد زناشویی) با سایر متغیرها در اکثر موارد معنی دار بوده است. معنی داری ضرایب پیش شرط لازم برای تحلیل مدل را فراهم آورد.

جدول ۲. شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی و مدل اصلاح شده

مدل‌ها	$\chi^2$	df	$\chi^2 / Df$	GFI	AGFI	IFI	CFI	NFI	RMSEA
مدل اصلاح شده	۱/۸۵	۴	۰/۷۱۳	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۹۹	۰/۰۰۰

همان‌گونه که در جدول ۲ نشان داده شده است، شاخص‌های مدل پیشنهادی از برازندگی مناسبی با داده‌ها برخوردار نیستند. لذا، بر روی مدل پیشنهادی اصلاحاتی صورت گرفت (نمودار ۲).



نمودار ۲. مدل اصلاح شده: رابطه‌ی علی سبک‌های دلبستگی با تعهد

زناشویی، با میانجی‌گری خود تمایز یافتگی و احساس گناه

نمودار ۱ نشان می‌دهد، که از میان تمام مسیرها در مدل اصلاح شده دوازده مسیر معنی دار هستند: ضرایب مسیر سبک دلبستگی ایمن به تعهد شخصی ۰/۳۶، سبک دلبستگی ایمن به احساس گناه ۰/۳۶، سبک دلبستگی ایمن به تعهد اخلاقی ۰/۴۶،

سبک دل‌بستگی ایمن به تعهد ساختاری ۰/۶۰، سبک دل‌بستگی نایمن به تعهد شخصی ۰/۴۵-، سبک دل‌بستگی نایمن به تعهد اخلاقی ۰/۴۳-، سبک دل‌بستگی نایمن به تعهد ساختاری ۰/۲۳-، سبک دل‌بستگی نایمن به تمایز یافتگی خود ۰/۳۰-، احساس گناه به تعهد شخصی ۰/۱۰، احساس گناه به تعهد ساختاری ۰/۱۰، تمایز یافتگی خود به تعهد شخصی ۰/۱۳، تمایز یافتگی خود به تعهد اخلاقی ۰/۱۰ و چهار مسیر معنادار نیستند: ضرایب مسیر سبک دل‌بستگی ایمن به تمایز یافتگی خود ۰/۱۱۹، سبک دل‌بستگی نایمن به احساس گناه ۰/۰۷-، احساس گناه به تعهد اخلاقی ۰/۰۳، تمایز یافتگی خود به تعهد ساختاری ۰/۰۲. نتایج ضرایب غیرمستقیم مدل اصلاح شده با استفاده از روش‌های بوت استرپ<sup>۱</sup> ماکرو<sup>۲</sup> (پریچرو و هیز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸) در جدول ۳ و بوت استرپ در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج ضرایب غیرمستقیم بوت استرپ به روش پریچرو و هیز در مدل اصلاح شده

فرضیه	داده	بوت	سوگیری	خطای استاندارد	سطح اطمینان ۰/۹۵	
					حد پایین	حد بالا
۱- رابطه بین سبک دل‌بستگی ایمن و تعهد شخصی از طریق احساس گناه	۰/۰۴۹۱	۰/۰۴۷۷	-۰/۰۰۱۴	۰/۰۲۷۲	۰/۰۰۱۳	۰/۱۱۱۱
۲- رابطه بین سبک دل‌بستگی نایمن و تعهد شخصی از طریق احساس گناه	-۰/۰۲۳۹	-۰/۰۲۴۳	-۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۹۱	-۰/۰۰۹۷	-۰/۰۴۴۹
۳- رابطه بین سبک دل‌بستگی ایمن و تعهد شخصی از طریق تمایز یافتگی خود	۰/۰۵۹۷	۰/۰۶۰۰	۰/۰۰۰۳	۰/۰۲۰۲	۰/۱۰۴۹	۰/۰۲۵۲
۴- رابطه بین سبک دل‌بستگی نایمن و تعهد شخصی از طریق تمایز یافتگی خود	-۰/۰۲۴۰	-۰/۰۲۴۱	-۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۹۱	-۰/۰۱۰۰	-۰/۰۴۶۹
۵- رابطه بین سبک دل‌بستگی ایمن و تعهد اخلاقی از طریق احساس گناه	۰/۰۲۸۲	۰/۰۲۸۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۳۱۵	۰/۰۹۴۱	-۰/۰۳۷۹
۶- رابطه بین سبک دل‌بستگی نایمن و تعهد اخلاقی از طریق احساس گناه	-۰/۰۲۵۰	-۰/۰۲۶۴	-۰/۰۰۱۴	۰/۰۱۱۲	-۰/۰۵۰۴	-۰/۰۰۷۸

1. Bootstrapping.

2. Macro.

3. Preacher, K. J. , & Hayes, A. F.

فرضیه	داده	بوت	سوگیری	خطای استاندارد	سطح اطمینان ۰/۹۵	
					حد پایین	حد بالا
۷- رابطه بین سبک دل‌بستگی ایمن و تعهد اخلاقی از طریق تمایز یافتگی خود	۰/۰۶۲۶	۰/۰۶۲۸	۰/۰۰۰۲	۰/۰۲۳۶	۰/۱۱۹۵	۰/۰۲۴۱
۸- رابطه بین سبک دل‌بستگی نایمن و تعهد اخلاقی از طریق تمایز یافتگی خود	-۰/۰۲۴۵	-۰/۰۲۵۲	-۰/۰۰۰۶	-۰/۰۱۱۴	-۰/۰۰۶۶	-۰/۰۵۲۱
۹- رابطه بین سبک دل‌بستگی ایمن و تعهد ساختاری از طریق احساس گناه	۰/۱۰۴۳	۰/۱۰۴۸	۰/۰۰۰۶	۰/۰۴۹۶	۰/۲۲۱۶	۰/۰۱۷۸
۱۰- رابطه بین سبک دل‌بستگی نایمن و تعهد ساختاری از طریق احساس گناه	-۰/۰۶۸۵	-۰/۰۶۹۷	-۰/۰۰۱۱	-۰/۰۲۵۶	-۰/۰۲۶۹	-۰/۱۲۹۵
۱۱- رابطه بین سبک دل‌بستگی ایمن و تعهد ساختاری از طریق تمایز یافتگی خود	۰/۰۳۷۳	۰/۰۳۸۰	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۲۸۴	۰/۱۰۳۲	-۰/۰۰۹۰
۱۲- رابطه بین سبک دل‌بستگی نایمن و تعهد ساختاری از طریق تمایز یافتگی خود	-۰/۰۱۷۸	-۰/۰۱۹۵	-۰/۰۰۱۷	-۰/۰۱۸۵	-۰/۰۱۵۱	-۰/۰۵۴۵

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، احساس گناه، میانجی ارتباط بین سبک دل‌بستگی ایمن و تعهد شخصی، سبک دل‌بستگی نایمن و تعهد شخصی، سبک دل‌بستگی نایمن و تعهد اخلاقی، سبک دل‌بستگی ایمن و تعهد ساختاری، سبک دل‌بستگی ایمن و تعهد ساختاری و بین سبک دل‌بستگی نایمن و تعهد ساختاری است. همین‌طور تمایز یافتگی خود واسطه بین سبک دل‌بستگی ایمن و تعهد شخصی، سبک دل‌بستگی نایمن و تعهد شخصی، سبک دل‌بستگی ایمن و تعهد اخلاقی، سبک دل‌بستگی نایمن و تعهد اخلاقی به عنوان میانجی محسوب می‌شوند. از دیگر سو، احساس گناه واسطه ارتباط بین سبک دل‌بستگی ایمن و تعهد اخلاقی نیست. همچنین، تمایز یافتگی خود، واسطه ارتباط بین سبک دل‌بستگی ایمن و تعهد ساختاری و سبک دل‌بستگی نایمن و تعهد ساختاری نیست.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی مدل علی سبک‌های دل‌بستگی با تعهد زناشویی با

میانجی‌گری احساس گناه و تمایز یافتگی خود بود. در این مطالعه رابطه‌ی سبک دلبستگی ایمن با تعهد شخصی از طریق احساس گناه معنی‌دار شدند. در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد دارای سبک دلبستگی ایمن در روابط خود رضایت، تعهد و اعتماد بیش‌تری را درک و پیام‌های همسران خود را مثبت‌تر تفسیر می‌کنند (بلو، برند برون و راجسدل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). افراد دارای سبک دلبستگی ایمن در روابط خود یک نیاز ضروری را احساس می‌کنند و آن چیزی جز تعهد نیست. آن‌ها در روابط خود پایدارتر اند و به راحتی به دیگران به عنوان تکیه‌گاهی امن تکیه می‌کنند و این امر به تقویت هر چه بیش‌تر تعهد آن‌ها می‌انجامد (داملرو و کوباک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱). افراد ایمن به این دلیل که مسئولیت‌پذیرترند دارای احساس گناه بیش‌تری نیز هستند. این احساس گناه باعث همدلی بیش‌تر، ترمیم روابط، نزدیکی بیش‌تر و در نتیجه بالا بردن تعهد می‌گردد (اورال، چیرم، لمی جرو هاموند<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). افراد ایمن در زندگی زناشویی خود زمان‌هایی که بی‌توجهی یا کم‌کاری می‌کنند و یا بنا به دلایلی از همسر خود غافل می‌شوند احساس گناه در آن‌ها ایجاد می‌شود و این احساس گناه زمینه‌ای برای افزایش میزان تعهد در آن‌ها می‌گردد. افراد ایمن مسئولیت‌پذیرند و افراد مسئولیت‌پذیر بابت رفتارهای نامناسب خود دچار احساس گناه می‌گردند. به همین دلیل این افراد در زندگی زناشویی خود متعهدتر هستند (هال و کلارک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳). احساس گناه یک پایه و اساس مناسب برای افراد مسئولیت‌پذیر است (اکباگ و ایمامگ لو، ۲۰۱۰) که باعث افزایش رضایت و تعهد آن‌ها از روابط‌شان می‌شود. همچنین رابطه‌ی مثبت معنی‌داری میان سبک دلبستگی ایمن با تعهد شخصی وجود داشت که با پژوهش‌های هوو همکاران (۲۰۱۲)، استانلی و همکاران (۲۰۱۰)، بلوو همکاران (۲۰۰۸) و توماس (۲۰۰۹) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت الگوهایی که در طول سال اول زندگی ایجاد می‌شوند به عنوان ویژگی‌ی پایداری از کودکی

1. Bello, R. S. , Brandau-Brown, F. E. , & Ragsdale, J. D.

2. Duemmler, S. L. , & Kobak, R.

3. Overall, N. C. , Girme, Y. U. , Lemay Jr, E. P. , & Hammond, M. D.

4. Hale, M. A. , & Clarck, D. A.

به بزرگسالی انتقال می‌یابد و در ادامه به شکل روابط عاشقانه باقی می‌ماند. افراد امن یک دیدگاه مثبت از خود و همسرشان و احساسات نسبتاً قوی نسبت به ارزش خود دارند و به راحتی در روابط عاشقانه صمیمی می‌شوند بنابراین در زندگی زناشویی خود نیز متعهدانه تر برخورد می‌نمایند (ارنبرگ، رابرتسن و پرینگل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲). علاوه بر این یافته‌ها نشان داد رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری میان سبک دلبستگی ایمن با احساس گناه وجود دارد و با پژوهش‌های موریس و همکاران (۲۰۱۴) و لوپز، گاور، لسکلا، سوئر، اسپیرمن و یسمن<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) ناهمسو و با نتایج اورال و همکاران (۲۰۱۴) همسو است. در تبیین مثبت شدن رابطه‌ی سبک دلبستگی ایمن و احساس گناه می‌توان گفت گناه برای فرهنگ ما یک امر مثبت و قابل پذیرش با دید مثبت نگر است. در واقع ما احساس گناه یا همان عذاب وجدان را راهی برای کنار گذاشتن یا انجام ندادن بسیاری از تخطی‌های اخلاقی می‌نگریم در حالی که در غرب به آن به چشم یک مشکل نگاه می‌کنند. احساس گناه بخشی از هویت اسلامی-دینی ما را تشکیل می‌دهد و قابل ستایش و ستوده است. احساس گناه به برخی رفتارهای خاص مرتبط می‌شود که فرد توانایی کنترل آن را دارد. در مورد احساس گناه تمرکز روی رفتار است و خود دست نخورده باقی می‌ماند و کنترل شخصی در آن بسیار بالا است (زارعی، فرحبخش و اسمعیلی، ۱۳۹۰). افراد ایمن نیز افرادی با کنترل شخصی بالا هستند که خود را از رفتار جدا می‌دانند یعنی اگر رفتار نامناسبی از آن‌ها سرزد خود را شماتت نمی‌کنند بلکه رفتار خود را مورد سرزنش قرار می‌دهند (موریس و همکاران، ۲۰۱۴)، این افراد در هنگامی که در معرض فعل نامناسب قرار می‌گیرند و حتی فکر انجام یک کار ناشایست به ذهن‌شان می‌افتد دچار احساس گناه می‌شوند و همین باعث می‌گردد که به آن عمل دست نزنند. یافته‌ها نشان داد رابطه‌ی علی سبک دلبستگی ناایمن با تعهد شخصی از طریق احساس گناه معنی‌دار است. برای افراد ناایمن، مشاهده استقلال خود در روابط نزدیک بسیار برای‌شان مهم است. این افراد

1. Ehrenberg, M. F., Robertson, M., & Pringle, J.

2. Lopez, F. G., Gover, M. R., Leskela, J., Sauer, E. M., & Schirman, L. W yssmann, J.



تمایل به نزدیکی با دیگران دارند اما از صدمه دیدن در این روابط می‌ترسند. بنابراین تمایل به خروج از فعل و انفعالات صمیمی با دیگران دارند (بلو و همکاران، ۲۰۰۹). ارتباط نایمن و انتظارات منفی می‌تواند به راحتی کیفیت رابطه را واژگون کند. جای تعجب نیست که نگرانی مزمن در مورد طرد شدن با سطوح پایین تر تعهد همراه است. در واقع ترکیب انتظارات منفی از شریک رابطه در افراد نایمن به تعهد کمتر در رابطه می‌انجامد (ترن و سیمپسون، ۲۰۰۹). چون تعهد شخصی یک تعهد همراه با میل و علاقه و تمایل به شخص و رابطه است زمانی که فرد خود را از روابط صمیمی و عاشقانه کنار می‌کشد و در ظن و ترس از دست دادن شریک خود است، مطمئناً تعهد و کیفیت رابطه روز به روز کاهش می‌یابد تا جایی که فرد ممکن است همسرش را رها کند و دست به خیانت بزند. مسئولیت‌پذیری نشان‌دهنده یک خودآگاهی است که به وسیله آن افراد احساسات منفی خود را کنترل و تنظیم می‌کنند. اما افراد نایمن سطح پایینی از مسئولیت‌پذیری را دارا می‌باشند (هولمبرگ، مک ویلیانس و پاترسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). بنابراین احساس گناه در آن‌ها پایین است و هر چه احساس گناه در آن‌ها پایین‌تر باشد تعهد شخصی کمتری را در زندگی مشترک خود دارا می‌باشند (اورال و همکاران، ۲۰۱۴). به طور کلی می‌توان گفت افراد نایمن، افرادی بی‌مسئولیت و با وجدان ضعیف هستند. بنابراین احساس گناه در آن‌ها پایین است و بر همین اساس از سطح کیفیت زندگی پایین، رضایت از رابطه کم و تعهد زناشویی ضعیفی برخوردارند. یافته‌ها نشان داد رابطه منفی معنی‌داری میان سبک دلبستگی نایمن با تعهد شخصی وجود دارد و پژوهش‌های ارول و همکاران (۲۰۱۴)، پیس و زاپالو (۲۰۱۱)، استانلی و همکاران (۲۰۱۰)، استار و دوویلا<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) و شاور، اسکاچنرو و مک‌کالینسر<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) در همین راستا هستند. در تبیین این یافته می‌توان گفت دلبستگی اضطرابی از طریق اشتغال و نشخوار ذهنی اضطرابی در مورد

1. Holmberg, D. , McWilliams, L. A. , & Patterson, A.

2. Starr, L. R. , & Davila, J.

3. Shaver, P. R. , Schachner, D. A. , & Mikulincer, M.

چیزهایی که ممکن است به اشتباه در رابطه موجود باشد رضایت از رابطه را کاهش می‌دهد. در واقع افراد اضطرابی اغلب توسط حسادت، ترس از رها شدن و نگرانی در مورد طرد شدن محاصره شده‌اند که همین احساسات تأثیر مستقیمی را در رضایت از رابطه می‌گذارد (هو و همکاران، ۲۰۱۲) که همین نارضایتی از رابطه زمینه خیانت زناشویی را فراهم می‌کند. این افراد به دلیل داشتن چنین رفتارهایی در دراز مدت زمینه کاهش تعهد در خود و دیگری را فراهم می‌کنند (ارول و همکاران، ۲۰۱۴). افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن ترس از متعهد شدن دارند به همین خاطر پایبندی آن‌ها به ازدواج پایین است (ولف و بتز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). یافته‌ها نشان داد که رابطه منفی بین سبک دلبستگی ناایمن و احساس گناه تأیید نشد. این یافته با پژوهش موریس و همکاران (۲۰۱۴)، هایدون و همکاران (۲۰۰۹) و لوپیز و همکاران (۱۹۹۷) ناهمسو و با نتایج اورال و همکاران (۲۰۱۴) همسو است. افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن اغلب سعی می‌کنند احساس گناه را در دیگران ایجاد کنند، که به آن گناه القایی گفته می‌شود، و مادام سعی در ایجاد احساس گناه در شرکای خود دارند. آن‌ها با این کار سعی می‌کنند که احساس تعهد بیش‌تر، پشتیبانی و مراقبت را در شریک خود ایجاد کنند و باعث افزایش احساس امنیت در خود شوند. آن‌ها از این کار به عنوان حربه‌ای برای حفظ شریک خود استفاده می‌کنند. آن‌ها از این راه سعی در مدیریت تهدید دارند اما خودشان معمولاً به این احساس پاسخ مشخصی نمی‌دهند و احساس گناه نمی‌کنند شاید به این دلیل که آن‌ها احساس مسئولیت ندارند (اورال و همکاران، ۲۰۱۴). یافته‌ها نشان دادند رابطه سبک دلبستگی ایمن با تعهد شخصی از طریق تمایز یافتگی خود معنی‌دار هستند. در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد ایمن سازگاری زناشویی بالایی دارند، به راحتی با دیگران روابط صمیمانه برقرار می‌کنند و به آن‌ها نزدیک می‌شوند، انسجام خانوادگی‌شان زیاد است و عاشق شریک زندگی خود هستند (ازمن و اتیک<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). تمایز یافتگی، بنیان‌های

1. Wolfe, J. B. , & Betz, N. E.

2. Özmen, O. , & Atik, G.

صمیمیت و پذیرش دو سویه را در ازدواج بررسی می‌کند. انتظار می‌رود زن و مردی که سطح تمایزیافتگی پایینی داشته باشند، در زمان ازدواج، بلوغ هیجانی کمتر و ظرفیتی محدود برای صمیمیت و یکی شدن داشته باشند. در مقابل، در نظام‌های زناشویی تمایزیافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی نرمش‌پذیرتر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش هیجانی کمتری را تحمل کنند. افراد با تمایزیافتگی پایین در تعارض‌های زناشویی در ارتباط با زوج، اضطراب را جذب می‌کنند و واکنش‌های هیجانی یا جدایی هیجانی نشان می‌دهند (بیرامی، فهیمی، اکبری و کلایی، ۱۳۹۱). بنابراین افراد ایمن تمایزیافته نسبت به افراد ایمن دارای تمایزیافتگی پایین زندگی موفق‌تر و مشکلات زناشویی کمتری دارند. پس نتیجه می‌گیریم که سطح تعهد شخصی آن‌ها نیز بالاتر است و متعهدتر هستند. نتایج همچنین نشان داد رابطه معنی‌داری میان سبک دلبستگی ایمن با تمایزیافتگی خود وجود ندارد. این یافته با نتایج کرمی و همکاران (۱۳۹۳)، توربرگ و همکاران (۲۰۰۶)، اسکورن و دندی<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) و رایس، فیتزجرالد، والی و گیبس<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) ناهمسو و با نتایج تیما و کلی<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که اگرچه سبک دلبستگی ناایمن قدرت این را دارد که افرادی نامتمایز و درگیر جو و مشکلات عاطفی حل نشده پرورش دهد اما سبک دلبستگی ایمن به تنهایی برای ایجاد افرادی با تمایز یافتگی لازم و مناسب کافی نیست. از لحاظ نظری این منطقی به نظر می‌رسد که یک فرد دارای سبک دلبستگی ایمن دارای تمایزیافتگی کافی باشد. اما همیشه این امر صادق نیست. در کنار سبک دلبستگی ایمن شرایط و جو اقتصادی و اجتماعی نیز باید مناسب باشد و مراحلی که هر فرد در زندگی می‌گذراند نیز نقش مهمی در شکل‌گیری و حفظ تمایزیافتگی دارد. دلبستگی ایمن به عنوان تمایل پایدار برای حفظ نزدیکی و

1. Skowron, E. A. , & Dendy, A. K.

2. Rice, K. G. , FitzGerald, D. P. , Whaley, T. J. , & Gibbs, C. L.

3. Timm, T. M. , & Keiley, M. K.

تماس با افراد مهم و خاص در زندگی تعریف شده است ولی تمایز به معنای داشتن عمکرد جداگانه در یک رابطه و در عین حال رابطه عاطفی برقرار کردن است (تیما و کلی، ۲۰۱۱). افراد ممکن است در برخی موقعیت‌ها یا در برابر افرادی خاص نامتمایز و در مقابل در شرایط دیگر و در برابر افرادی متفاوت تمایز یافته ظاهر شوند. در واقع تمایز یافتگی یک ویژگی در حال تغییر است و تحت تأثیر موقعیت درجه آن بالا و پایین می‌رود. همچنین رابطه مثبت معنی‌داری میان تمایز یافتگی خود با تعهد شخصی وجود دارد. این یافته با پژوهش‌های مؤمنی و علیخانی (۱۳۹۲)، ولدخانی (۱۳۸۷) و اسکورن (۲۰۰۰) همسواست. در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد تمایز یافته انعطاف پذیرتر، دارای تفکر مستقل، مقابله بهتر با حوادث استرس‌زا و مشکلات زناشویی خود را بهتر حل می‌کنند. انتخاب فردی، مهم‌ترین عامل در ازدواج آن‌ها بوده است (کیم و جانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). به همین دلیل در زندگی زناشویی خود موفق‌ترند و از طیف گسترده‌ای از صمیمیت احساسی موجود در رابطه خود لذت می‌برند بدون اینکه خود را در این رابطه فدا کنند (پلگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). ویژگی‌های افراد نامتمایز شامل بی‌اعتمادی، شک، عدم ابتکار عمل، احساس حقارت، سردرگمی، ناامیدی و نارضایتی زناشویی است (میلر، اندرسون و کیلا<sup>۳</sup>؛ به نقل از جنکینز، اسچوارتز و جانسون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵) و در نهایت به تشکیل مثلث‌های متعدد منجر می‌گردد (بوئن، ۱۹۸۸؛ به نقل از جنکینز و همکاران، ۲۰۰۵) که این نتیجه‌ای جز شکستن تعهدات موجود در رابطه ندارد. یافته‌ها نشان دادند رابطه بین سبک دلبستگی ناایمن با تعهد شخصی از طریق تمایز یافتگی خود معنی‌دار است. افراد ناایمن بیش از حد به نشخوار فکری بدترین حالت نتایج رابطه (که ممکن است پیش بیاید) می‌پردازند. این افراد تمایل به توسعه ناراحتی‌ها و مشکلات خود از لحاظ عاطفی دارند و از استراتژی‌های دفاعی برای کم‌رنگ کردن صمیمیت و انکار و سرکوب نیازهای

1. Kim, H. S. , & Jung, Y. M.

2. Peleg, O.

3. Miller, R. B. , Anderson, S. , & Keala, D. K.

4. Jenkins, S. M. , Buboltz Jr, W. C. , Schwartz, J. P. , & Johnson, P.

پایه خود برای نزدیکی می‌پردازند. به دلیل همین تمایلات، به احتمال زیاد این افراد تمایل محدودی برای تعهد بیش‌تر به رابطه دارند (ترن و سیمپسون، ۲۰۰۹). همچنین رابطه منفی معنی‌داری میان سبک دلبستگی ناایمن با تمایز یافتگی خود وجود دارد. این یافته با نتایج تیما و کلی (۲۰۱۱)، کرمی و همکاران (۱۳۹۳)، توربرگ و همکاران (۲۰۰۶)، اسکورن و همکاران (۲۰۰۴)، رایس و همکاران (۱۹۹۵) همسواست. افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن ۲ واکنش از خود نشان می‌دهند: ۱- فاصله‌گیری از دیگران، اجتناب از روابط عاطفی صمیمی و کناره‌گیری از بیان احساسات خود به دیگری (هو و همکاران، ۲۰۱۲). ۲- احساس ترس از طرد شدن و کنار گذاشته شدن دارند و بیش‌تر زمان‌ها را با این احساسات منفی می‌گذرانند (ارول و همکاران، ۲۰۱۴) و از طرف دیگر شاخص‌های تمایز نیافتگی یا افراد دارای تمایز پایین می‌توان به دو شاخص اشاره کرد: ۱- اضطراب بالا در روابط ۲- فاصله‌گیری عاطفی بیش‌تر در روابط (تیمما و کلی، ۲۰۱۱). نتایج نشان داد رابطه بین سبک دلبستگی ایمن با تعهد اخلاقی از طریق احساس گناه معنی‌دار نبود. بزرگسالان امن به راحتی به سطوح بالایی از صمیمیت می‌رسند و نسبت به رویدادهای مبهم موجود در رابطه دید مثبتی دارند. افراد امن توانایی حل تعارضات موجود در یک رابطه را بصورت مؤثر دارا می‌باشند (لوپز، ریگس، پلارد و هاک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). آن‌ها به تعهدات و قول و قرارهای خود وفادارترند و دیگران را به راحتی بخاطر منافع شخصی کنار نمی‌گذارند. از نظر رشد اخلاقی به بلوغ کافی رسیده‌اند و در زندگی مشترک اهل فداکاری هستند. آن‌ها معمولاً در طول عمر خود فقط یک بار ازدواج می‌کنند و به آن پایبندند. این افراد، مسئولیت‌پذیر و با وجدان‌اند (بانرجی و باسیو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴) به همین دلیل تعهد اخلاقی‌شان در سطح بالایی قرار دارد. چون این افراد تحت تأثیر سبک ایمنی که دارند مسئولیت‌پذیری نیز در آن‌ها بیش‌تر است. اگرچه احساس گناه در آن‌ها قوی و رشد یافته است اما این افراد خود بدون نیاز به هیچ احساس عذاب وجدانی برای متعهد بودن و

1. Lopez, J. L., Riggs, S. A., Pollard, S. E., & Hook, J. N.

2. Banerjee, S., & Basu, J.

انجام وظایف و مسئولیت‌های‌شان آماده‌اند و نیازی به احساس گناه بعنوان محرکی که آن‌ها را به عمل وادار یا از رفتاری اشتباه بازگرداند ندارند. همچنین رابطه معنی داری میان احساس گناه با تعهد اخلاقی وجود نداشت. این یافته با پژوهش‌های هارتسن و همکاران (۲۰۱۲)، فلورین و همکاران (۲۰۰۲) ناهمسواست. افراد متعهد از نظر اخلاقی یا متعهد به ازدواج در واقع طبق اعتقادات ذهنی و قول و قراری که با شریک رابطه خود داشته‌اند عمل می‌کنند (جانسون، کوگالین و هاستن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹). بنابراین وقتی اینگونه عمل می‌کنند دیگر احساس گناهی به آنها دست نمی‌دهد ولی حتی اگر آن‌ها طبق این ارزش‌ها نیز عمل نکنند دچار احساس گناه نمی‌شوند چون به خود حق می‌دهند که رابطه را رها کنند زیرا به گفته جانسون و همکاران (۱۹۹۹) تعهد اخلاقی با رضایت از زندگی رابطه منفی دارد (جانسون و همکاران، ۱۹۹۹) و افراد بین اینکه خود را فدا کنند یا طرف مقابل‌شان، معمولاً طرف مقابل را فدا می‌کنند. پس نتیجه می‌گیریم که چه در افراد با تعهد اخلاقی بالا که در واقع خود را فدای ارزش‌ها و قول و قرارهای‌شان می‌کنند و چه در افراد با تعهد اخلاقی پایین که پایبند به ارزش‌های‌شان نیستند چون به نقطه‌ای رسیده‌اند که هیچ رضایتی از زندگی ندارند احساس گناه دیده نمی‌شود. همچنین رابطه بین سبک دلبستگی ناایمن با تعهد اخلاقی از طریق احساس گناه معنی دار بود. در واقع احساس گناه این قدرت را دارد که در افراد انگیزه ایجاد کند (الیس، پنگ، ساوانی و دیموتاکیس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳) و افراد ناایمن را به واکنش و عکس‌العمل وادار کند تا رفتار خود را اصلاح و کیفیت رابطه را ترمیم بخشند. نتایج جارنس و سو<sup>۳</sup> (۲۰۱۳)، اتچوری، ویو و وی<sup>۴</sup> (۲۰۱۳) و هوو همکاران (۲۰۱۲) همسوبا یافته‌ی حاضر رابطه منفی بین سبک دلبستگی ناایمن و تعهد اخلاقی می‌باشند. نتایج همچنین بیانگر رابطه بین سبک دلبستگی ایمن با تعهد اخلاقی از طریق تمایز یافتگی خود است. افراد ایمن تمایز یافته

1. Johnson, M. P. , Caughlin, J. P. , & Huston, T. L.  
2. Ilies, R. , Peng, A. C. , Savani, K. , & Dimotakis, N.  
3. Jarnecke, A. M. , & South, S. C.  
4. Etcheverry, P. E. , Le, B. , WU, T. F. , & Wei, M.

نسبت به افراد ایمن تمایز نیافته یا دارای سطوح پایین در تمایز رضایت زناشویی و کیفیت زندگی بهتری دارند. به این دلیل که آن‌ها قادر هستند که مشکلات و تعارضاتی که در زندگی مشترک رخ می‌دهد را به راحتی و بدون واکنش احساسی و هیجانی عمیق و با حفظ موقعیت مناسب خود حل کنند و تلاش می‌کنند هیچ بحث حل نشده‌ای باقی نگذارند تا در آینده دوباره سر باززند. این افراد قادرند بدون غرق شدن در مشکلات و یا فاصله گرفتن از شریک رابطه، مشکلات را کنار بزنند. بنابراین آن‌ها قدرت ادامه دادن و ترمیم یک رابطه از هم پاشیده را دارا هستند. یافته‌های مؤمنی و علی‌خانی (۱۳۹۲)، ولدخانی (۱۳۸۷) و اسکورن (۲۰۰۰) همسویا یافته‌ی حاضر رابطه مثبت معنی‌دار بین تمایز یافتگی خود و تعهد اخلاقی است. همچنین یافته‌ها نشان دادند رابطه بین سبک دلبستگی ناایمن با تعهد اخلاقی از طریق تمایز یافتگی خود معنی‌دار است. تعهد به رابطه بعنوان یک سپردر برابر دلبستگی ناایمن خدمت می‌کند و افراد ناایمنی که تعهد ضعیف‌تری دارند نتایج منفی بیش‌تری نیز در رابطه عایدشان می‌شود (ترن و سیمپسون، ۲۰۰۹). از سوی دیگر، افرادی که تمایز یافته‌اند به راحتی تحت تأثیر جو عاطفی رابطه قرار نمی‌گیرند و با هراختلافی به جدایی عاطفی تن نمی‌دهند. آن‌ها ممکن است عواطف شدید را تجربه کنند اما تحت تأثیر این عواطف تحلیل نمی‌روند و واکنش‌شان کنترل شده است. برعکس افراد نامتمایز آمادگی بسیاری برای اضطراب و واکنش هیجانی دارند. آن‌ها زمان زیادی را صرف تجربه، بیان و تشدید عواطف‌شان می‌کنند. یافته‌ها بیانگر رابطه بین سبک دلبستگی ایمن با تعهد ساختاری از طریق احساس گناه هستند. افراد دارای تعهد ساختاری از زندگی زناشویی خود ناراضی هستند و رضایت زناشویی ضعیفی دارند (جانسون و همکاران، ۱۹۹۹). اما چون احساس گناه در آن‌ها به عنوان یک ویژگی درمانی و انگیزه بخش در سطوح مناسبی از عملکرد قرار دارد بنابراین فرد از روابط چند سویه یا خروج از رابطه جلوگیری می‌کند و در عین نارضایتی به زندگی مشترک با شریک خود ادامه می‌دهد. علاوه بر این، رابطه مثبت معنی‌داری میان احساس گناه با

تعهد ساختاری وجود دارد. این یافته با پژوهش‌های هارتسن و همکاران (۲۰۱۲)، فلورین و همکاران (۲۰۰۲) ناهمسو و با نتایج اورال و همکاران (۲۰۱۴) و اکباگ و ایمامگ لو (۲۰۱۰) همسو است. زمانی که فرد در یک رابطه ببیند که طرف مقابل اش هزینه زیادی در رابطه داشته و پاداش زیادی را فراهم کرده و زمان و انرژی زیادی برای رابطه مشترک‌شان مصرف کرده یا برعکس خودش در رابطه سرمایه‌گذاری زیادی داشته و وقت و انرژی زیادی را مصرف کرده است، بنابراین از تصمیم یا فکر به این که رابطه را رها کند یا یک رابطه دیگر با فردی سوم خارج از خانه برقرار نماید احساس عذاب وجدان یا گناه به او دست می‌دهد و از فکر و خیال خود متأثر می‌شود. همچنین رابطه مثبت معنی‌داری میان سبک دلبستگی ایمن با تعهد ساختاری وجود دارد که با یافته‌های هو و همکاران (۲۰۱۲)، بلو و همکاران (۲۰۰۸)، جودی<sup>۱</sup> (۲۰۰۶)، داملرو و همکاران (۲۰۰۱) همسو است. افراد ایمن با توجه به شناختی که از طرف مقابل خود دارند به طور غیرقابل برگشتی برای او سرمایه‌گذاری می‌کنند. بنابراین شرایط و محدودیت‌های انحلال رابطه و هزینه‌های غیرقابل جبران و فشار اجتماعی را نیز مدنظر دارند. بنابراین در همه شرایط به رابطه ادامه می‌دهند و تعهد خود را به آن حفظ می‌کنند (استراچمن و گابل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). در واقع توالی از فداکاری و محدودیت باعث تعهد افراد ایمن به روابط زناشویی خود می‌گردد (استانلی و همکاران، ۲۰۱۰). یافته‌ها نشان داد رابطه بین سبک دلبستگی ناایمن با تعهد ساختاری از طریق احساس گناه معنی‌دار است. در تبیین این یافته می‌توان گفت احساس گناه یک جرمه برای فکریا عمل نامناسب است (هال و همکاران، ۲۰۱۳) که قدرت قوی در ایجاد پشیمانی و برگشت در افراد دارد. بنابراین می‌توان از آن به عنوان یک دست‌آویز برای عدم انحلال خانواده و اجتناب از خیانت استفاده کرد. همچنین رابطه معنی‌داری میان تمایز یافتگی خود با تعهد ساختاری وجود نداشت که با پژوهش اسکورن (۲۰۰۰) ناهمسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت بطور کلی تعهد ساختاری یک تجربه خارج از فرد

1. Judy, B. A.

2. Strachman, A. , & Gable, S. L.



است و تابع برداشت فرد از محدودیت‌هایی است که ترک رابطه را برای فرد پرهزینه می‌کند (جانسون و همکاران، ۱۹۹۹). اما تمایز یافتگی یک ویژگی شخصی درونی است و عدم رابطه منطقی به نظر می‌رسد. در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر، با ارائه‌ی یک مدل علی، شواهد تجربی مناسبی در تأیید نقش سبک‌های دلبستگی بر عاطفه‌ی خودآگاه احساس گناه و تمایز یافتگی خود و نیز نقش این متغیرها در تعهد زناشویی را تا حدی روشن نمود. مدل طراحی شده در پژوهش حاضر، دانش نظری در مورد تعهد زناشویی را وسیع‌تر کرد و تعامل تعدادی از متغیرهای فردی و خانوادگی را در تعهد زناشویی مطرح نمود.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد: در مدل مذکور برخی متغیرهای مداخله‌گر مانند وضعیت اجتماعی-اقتصادی، نوع فرهنگ و... در کنترل پژوهشگر نبود. از طرف دیگر ما به علت همکاری محدود دانشجویان زن متأهل، در پژوهش مذکور مجبور به استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس شدیم که همین امر تعمیم نتایج را با مشکل روبه‌رو می‌کند. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی پژوهشی صورت گیرد که به بررسی مدل مورد مطالعه، در مردها پردازد و نتایج آن با پژوهش حاضر مقایسه شود. همچنین پیشنهاد می‌شود مدلی طراحی شود که نقش واسطه‌ای تمام عواطف خودآگاه از جمله غرور، خجالت و شرم را به عنوان عواملی که می‌توانند در تعهد زناشویی افراد نقش داشته باشند، بررسی کند. علاوه بر این پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزشی جهت آگاهی دادن و اطلاع رسانی به خانواده‌ها در مورد اهمیت حساس بودن دوران کودکی و سال‌های اولیه‌ی زندگی و تأثیر آن بر روی زندگی زناشویی در آینده تشکیل شود.

## منابع

- امان الهی، ع.، اصلاتی، خ.، تشکر، ه.، غوابش، س.، نکوئی، س. (۱۳۹۱). بررسی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی عاشقانه و عشق با رضایت زناشویی. *مجله مطالعات زنان*، ۱۰ (۳)، ۸۶-۶۷.
- بیرامی، م.، فهیمی، ص.، اکبری، ا.، کلایی، پیچا، میری، ا. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس

- سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های تمایز یافتگی. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۴ (۱)، ۶۴-۷۷.
- ثنائی، ب.، هومن، ع.، علاقمند، ستیلا. (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. چاپ یکم، تهران: انتشارات بعثت.
- زارعی، س.، حسینی، ف. (۱۳۹۲). *پیش‌بینی تعهد زناشویی بر پایه عواطف خودآگاه و تمایز یافتگی خود در دانشجویان متأهل*. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۴ (۱)، ۱۳۳-۱۱۳.
- روشن‌چسلی، ر.، عطری‌فرد، م.، نوری‌مقدم، ثنا. (۱۳۸۶). *بررسی روانی و پایایی سومین نسخه تجدیدنظر شده مقیاس عاطفه خودآگاهی برای بزرگسالان TOSCA-3*. *فصلنامه دانش‌ور رفتار*، ۲۸ (۳)، ۳۱-۴۶.
- زارعی، س.، فرحبخش، کیومرث.، اسمعیلی، م. (۱۳۹۰). *تعیین سهم خودتمایزسازی، اعتماد، شرم و گناه در پیش‌بینی سازگاری زناشویی*. *فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۲ (۳)، ۵۰-۶۳.
- شاه‌سیاه، م.، بهرامی، ف.، محبی، س. (۱۳۸۸). *بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهر اصفهان*. *مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی*، ۱۱ (۳)، ۲۳۸-۲۳۳.
- فخاری، ن.، لطیفیان، م.، اعتماد، ج. (۱۳۹۲). *بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود در دانشجویان ایران*. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۱۵ (۴)، ۳۵-۵۸.
- کرمی، ج.، زکی‌بی، ع.، علیخانی، م.، نوروزی، ع. (۱۳۹۳). *تبیین تمایز یافتگی خود بر اساس سبک‌های دلبستگی و آلکسی تیمیا*. *مجله علوم رفتاری*، ۱ (۲)، ۱۴۷-۱۳۹.
- کریمی، ن.، کریمی، ی.، بهمنی، ب. (۱۳۹۰). *بررسی رابطه ابعاد سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل*. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱ (۲)، ۲۵۶-۲۴۳.
- مؤمنی، خ.، علیخانی، م. (۱۳۹۲). *رابطه عملکرد خانواده، تمایز یافتگی خود و تاب‌آوری با استرس، اضطراب و افسردگی در زنان متأهل شهر کرمانشاه*. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۳ (۴)، ۳۲۰-۲۹۷.
- نظری، م. (۱۳۸۹). *بررسی ارتباط کمال‌گرایی، عواطف خودآگاه و تعامل ورزشی با وضعیت تحصیلی در دانشجویان*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی*.
- ولدخانی، ج. (۱۳۸۷). *بررسی رابطه منزلت‌های هویتی من و خودتمایزسازی با رضایت زناشویی در مردان و زنان متأهل در دانشگاه علامه*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی*.
- یونسی، ف. (۱۳۸۵). *هنجاریایی آزمون خودتمایزسازی در ایران*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران*.
- Adams, J. M. , & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*, 72 (5) , 1177- 1185.
- Akbag, M. , & Imamoglu, S. E. (2010). The Prediction of Gender and Attachment Styles on Shame, Guilt, and Loneliness. *Educational Sciences: Theory and Practice*, 10 (2) , 669-682.
- Banerjee, S. , & Basu, J. (2014). Personality factors, attachment styles and coping strategies in couples with good and poor marital quality. *Psychological*

*Studies*, 59 (1) , 59-67.

- Bello, R. S. , Brandau-Brown, F. E. , & Ragsdale, J. D. (2008). Attachment style, marital satisfaction, commitment, and communal strength effects on relational repair message interpretation among remarrieds. *Communication Quarterly*, 56 (1) , 1-16.
- Bogaerts, S. , Daalder, A. L. , Van Der Knaap, L. M. , Kunst, M. J. , & Buschman, J. (2008). Critical incident, adult attachment style, and posttraumatic stress disorder: a comparison of three groups of security workers. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 36 (8) , 1063-1072.
- Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. New York: Jason Arosen.
- Cann, A. , Norman, M. A. , Welbourne, J. L. , & Calhoun, L. G. (2008). Attachment styles, conflict styles and humour styles: Interrelationships and associations with relationship satisfaction. *European journal of personality*, 22 (2) , 131-146.
- Duemmler, S. L. , & Kobak, R. (2001). The development of commitment and attachment in dating relationships: Attachment security as relationship construct. *Journal of adolescence*, 24 (3) , 401-415.
- Ehrenberg, M. F. , Robertson, M. , & Pringle, J. (2012). Attachment style and marital commitment in the context of remarriage. *Journal of Divorce & Remarriage*, 53 (3) , 204-219.
- Etcheverry, P. E. , Le, B. , WU, T. F. , & Wei, M. (2013). Attachment and the investment model: Predictors of relationship commitment, maintenance, and persistence. *Personal Relationships*, 20 (3) , 546-567.
- Ferguson, T. J. , & Eyre, H. L. (2001). Reconciling interpersonal versus appraisal views of guilt: Roles of inductive strategies and projected responsibility in prolonging guilty feelings. Manuscript under review.
- Florian, V. , Mikulincer, M. , & Hirschberger, G. (2002). The anxiety-buffering function of close relationships: evidence that relationship commitment acts as a terror management mechanism. *Journal of personality and social psychology*, 82 (4) , 527-537.
- Grotevant, H. D. , & Cooper, C. R. (1985). Patterns of interaction in family relationships and the development of identity exploration in adolescence. *Child development*, 56 (2) , 415-428.
- Hale, M. A. , & Clarck, D. A. (2013). When Good People Have Bad Thoughts: Religiosity and the Emotional Regulation of Guilt-Inducing Intrusive Thoughts. *Journal of Psychology and Theology*, 41 (1). 24-35.
- Hartson, K. A. , & Sherman, D. K. (2012). Gradual escalation: The role of continuous commitments in perceptions of guilt. *Journal of Experimental Social Psychology*, 48 (6) , 1279-1290.
- Haydon, K. C. , & Shilkert, R. (2001). Attachment styles, emotion expressiveness and guilt among college women. In *Poster presented at biennial meeting of society for research in child development (SRCD)* , Minneapolis, MN, 23 (2) , 351-364.
- Ho, M. Y. , Chen, S. X. , Bond, M. H. , Hui, C. M. , Chan, C. , & Friedman, M. (2012). Linking adult attachment styles to relationship satisfaction in Hong Kong

- and the United States: The mediating role of personal and structural commitment. *Journal of Happiness Studies*, 13 (3) , 565-578.
- Holmberg, D. , McWilliams, L. A. , & Patterson, A. (2013). Conscientiousness and attachment avoidance as moderators of the association between attachment anxiety and neuroticism An interpersonal perspective. *Journal of Social and Personal Relationships*, 30 (4) , 515-525.
  - Ilies, R. , Peng, A. C. , Savani, K. , & Dimotakis, N. (2013). Guilty and helpful: An emotion-based reparatory model of voluntary work behavior. *Journal of Applied Psychology*, 98 (6) , 1051- 1059.
  - Jarnecke, A. M. , & South, S. C. (2013). Attachment orientations as mediators in the intergenerational transmission of marital satisfaction. *Journal of Family Psychology*, 27 (4) , 550-562.
  - Jenkins, S. M. , Buboltz Jr, W. C. , Schwartz, J. P. , & Johnson, P. (2005). Differentiation of self and psychosocial development. *Contemporary Family Therapy*, 27 (2) , 251-261.
  - Johnson, M. P. , Caughlin, J. P. , & Huston, T. L. (1999). The tripartite nature of marital commitment: Personal, moral, and structural reasons to stay married. *Journal of Marriage and the Family*, 12 (1) 160-177.
  - Judy, B. A. (2006). *Understanding the Contribution of Relative Commitment to the Link Between Romantic Attachment and Jealousy*. (Doctoral of Psychology).
  - Karami, J. , Zakiei, A. , & Alikhani, M. (2014). Explanation of self-differentiation in accordance with attachment styles and alexithymia. *Journal of Behavioral Sciences*, 8 (2) , 139-147.
  - Kim, H. S. , & Jung, Y. M. (2015). Self-Differentiation, Family Functioning, Life Satisfaction and Attitudes towards Marriage among South Korean University Students. *Indian Journal of Science and Technology*, 8 (19) , 706-728.
  - Lopez, F. G. , Gover, M. R. , Leskela, J. , Sauer, E. M. , & Schirman, L. W yssmann, J. (1997) Attachment styles, shame, guilt, and collaborative problem-solving orientations. *Personal Relationships*, 4 (3) , 187-199.
  - Lopez, J. L. , Riggs, S. A. , Pollard, S. E. , & Hook, J. N. (2011). Religious commitment, adult attachment, and marital adjustment in newly married couples. *Journal of Family Psychology*, 25 (2) , 301-312.
  - Luyten, P. , Fontaine, J. R. , & Corveleyn, J. (2002). Does the Test of Self-Conscious Affect (TOSCA) measure maladaptive aspects of guilt and adaptive aspects of shame? An empirical investigation. *Personality and individual differences*, 33 (8) , 1373-1387.
  - Mikulinger, M. , & Shaver, P. R. (2011). *An attachment perspective on interpersonal and intergroup conflict*. New York, NY: Psychology Press.
  - Morgan, H. J. , & Shaver, P. R. (1999). Attachment processes and commitment to romantic relationships. In *Handbook of interpersonal commitment and relationship stability* (pp. 109-124). Springer US.
  - Muris, P. , Meesters, C. , Cima, M. , Verhagen, M. , Brochard, N. , Sanders, A. ... . & Meesters, V. (2014). Bound to feel bad about oneself: relations between attachment and the self-conscious emotions of guilt and shame in children and

- adolescents. *Journal of Child and Family Studies*, 23 (7) , 1278-1288.
- Nelson, J. A. , Kirk, A. M. , Ane, P. , & Serres, S. A. (2011). Religious and Spiritual Values and Moral Commitment in Marriage: Untapped Resources in Couples Counseling?. *Counseling and Values*, 55 (2) , 228-246.
  - Overall, N. C. , Girme, Y. U. , Lemay Jr, E. P. , & Hammond, M. D. (2014). Attachment anxiety and reactions to relationship threat: The benefits and costs of inducing guilt in romantic partners. *Journal of personality and social psychology*, 106 (2) , 235-246.
  - Özmen, O. , & Atik, G. (2010). Attachment styles and marital adjustment of Turkish married individuals. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 5, 367-371.
  - Pace, U. , & Zappulla, C. (2011). Problem behaviors in adolescence: The opposite role played by insecure attachment and commitment strength. *Journal of Child and Family Studies*, 20 (6) , 854-862.
  - Papalia, D. E. , Olds, S. W. , & Feldman, R. D. (1990). *A child's world: Infancy through adolescence*. McGraw-Hill.
  - Peleg, O. (2008). The relation between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learned from married people over the course of life?. *The American Journal of Family Therapy*, 36 (5) , 388-401.
  - Preacher, K. J. , & Hayes, A. F. (2008). Asymptotic and resampling strategies for assessing and comparing indirect effect in multiple mediator models. *Behavior Research Method* , 40 (2) , 879-891.
  - Ramirez, A. (2008). An examination of the tripartite approach to commitment: An actor-partner interdependence model analysis of the effect of relational maintenance behavior. *Journal of Social and Personal Relationships*, 25 (6) , 943-965.
  - Rice, K. G. , FitzGerald, D. P. , Whaley, T. J. , & Gibbs, C. L. (1995). Cross-Sectional and Longitudinal Examination of Attachment, Separation-Individuation, and College Student Adjustment. *Journal of Counseling & Development*, 73 (4) , 463-474.
  - Shoen, R. ,N. M. Astone, K. Robert, N.J. Standssh, .. J. mmm(2009). Womnn's employment, marital happiness and divorce. *Social Forces*, 81, 643-662.
  - Simone, R. , & Shilkret, R. (2001). Attachment, guilt, and symptomatology among incarcerated women. In *Poster presented at the biennial meeting of Society for Research in Child Development (SRCD)* , Minneapolis, April.
  - Skowron, E. A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47 (2) , 229-246.
  - Skowron, E. A. , & Dendy, A. K. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlates of effortful control. *Contemporary Family Therapy*, 26 (3) , 337-357.
  - Skowron, E. A. , & Friedlander, M. L. (1998). The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of counseling psychology*, 45 (3) , 235.
  - Skowron, E. A. , & Schmitt, T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of*

*Marital and Family Therapy*, 29 (2) , 209-222.

- Stanley, S. M. , Rhoades, G. K. , & Whitton, S. W. (2010). Commitment: Functions, formation, and the securing of romantic attachment. *Journal of family theory & review*, 2 (4) , 243-257.
- Starr, L. R. , & Davila, J. (2008). Excessive reassurance seeking, depression, and interpersonal rejection: A meta-analytic review. *Journal of Abnormal Psychology*, 117 (2) , 762-775.
- Strachman, A. , & Gable, S. L. (2006). Approach and avoidance relationship commitment. *Motivation and Emotion*, 30 (2) , 117-126.
- Tang, C. Y. , & Curran, M. A. (2013). Marital commitment and perceptions of fairness in household chores. *Journal of Family Issues*, 34 (12) , 1598-1622.
- Tangney, J. P. , Wagner, P. , & Gramzow, R. (1992). Proneness to shame, proneness to guilt, and psychopathology. *Journal of abnormal psychology*, 101 (3) , 469-455.
- Thomas, E. L. (2009). *The interrelationships between adult attachment style, commitment, frequency of, variety, and motivation for sexual behaviors in non-married, dating relationships* (Doctoral dissertation, NORTHERN ILLINOIS UNIVERSITY).
- Thorberg, F. A. , & Lyvers, M. (2006). Attachment, fear of intimacy and differentiation of self among clients in substance disorder treatment facilities. *Addictive behaviors*, 31 (4) , 732-737.
- Timm, T. M. , & Keiley, M. K. (2011). The effects of differentiation of self, adult attachment, and sexual communication on sexual and marital satisfaction: A path analysis. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 37 (3) , 206-223.
- Tran, S. , & Simpson, J. A. (2009). Prorelationship maintenance behaviors: the joint roles of attachment and commitment. *Journal of personality and social psychology*, 97 (4) , 685-694.
- Wearden, A. , Peters, I. , Berry, K. , Barrowclough, C. , & Liversidge, T. (2008). Adult attachment, parenting experiences, and core beliefs about self and others. *Personality and Individual Differences*, 44 (5) , 1246-1257.
- Wolfe, J. B. , & Betz, N. E. (2004). The Relationship of Attachment Variables to Career Decision-Making Self-Efficacy and Fear of Commitment. *The Career Development Quarterly*, 52 (4) , 363-369.